

خداوندی را ستائیم و پرستش نمائیم که جهان هستی را بپرتو بخشایش زینت و آرایش بخشید و حقیقت وجود را بصورت نامتناهی منحلّ و پادشاهی عطا فرمود چون بدیده بینا نگری کائنات هر یک مانند دلبر در کمال صباحت و ملاحظت جلوه نموده و هر یک مرکز حکمتی و مصدر موهبتی و مظهر عنایتی مشاهده میشود جمیع کائنات بر نظم طبیعی بدون اراده در جنبش و حرکتست لهذا بمنتها موهبت در عالم خویش مفتخر در میان کائنات ذی روح را اراده و اختیار نیست و حرکت و اکتسابی حیوان در اسفل درجات ذی روحست ولی چون مؤید بعقل و هوش نه اگر حرکتی مخالف نظم طبیعی نماید در این غرور معذور زیرا بمقتضای طبیعت متحرک و اسیر غیر متمسک اما انسان که اشرف کائنات ذی روحست و متحرک باراده و مؤید بعقل و هوش لهذا باید در جمیع کمالات فائق بر کائنات باشد و اگر از این موهبت محروم بغایت مقدوح و مذموم و بدترین نوع حیوان اولئک کالأنعام بل هم اضلّ سیلا زیرا موهبت پروردگار را بهدر داده و مانند شجره زقوم ثمر تلخ بار آورده هیچ کائناتی از کائنات مواهب الهیه را از دست ندهد جز انسان که جواهر بواهر الطاف بی پایان را از دست دهد و از نادانی بدام و شست افتد اینست که در آیه مبارکه میفرماید لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثمّ ردناه اسفل سافلین و اگر از این دام رهایی یابد و از این درد صفائی گیرد مظهر الا الذین آمنوا و عملوا الصّالحات گردد و مطلع فیوضات شود و مشرق انوار خلق الله آدم علی صورته و مثاله گردد یعنی صورت رحمانیه شود و مظهر فیوضات ربّانیه ای یاران کمالات انسانیه منحصر بشئون روحانیه نه بلکه کمالات جسمانی نیز لازم تا عالم انسانی بجمال معنوی و کمال صوری در انجمن وجود جلوه نماید لهذا باید احیای الهی در تحصیل کمالات صوری نیز از هر جهت جهد و کوشش نمایند اخلاق رحمانیه بمنزله ارواحست و کمالات جسمانی بمنزله اجسام ارواح را بواسطه اجسام جلوه و ظهوری و اجسام را بواسطه ارواح روح و فتوحی هر دو چون در نهایت اتقان در محشر امکان جلوه و ظهور نماید فیض موفور حاصل گردد و پرتو نور علی نور جلوه نماید

ای یاران الهی تصوّر ننمائید که چون این جهان فانیهست لهذا نقص و کمال و فوز و وبال و صعود و نزول و ترقی و فتور مساویست حاشا حضرت رحمان در نصّ فرقان میفرماید ربّنا آتانا فی الدّینا حسنة و فی الآخرة حسنة پس واضح و مشهود شد که ترقی و کمال معنوی و صوری هر دو مطلوب و محبوب علی الخصوص که ترقیات کلّیه ولو جسمانیّه دالّ بر مواهب رحمانیه است ملاحظه کنید که ملّت ژاپون در ترقیات عصریه سبب حیرت ملل و دول عالم گردیده حال میتوان گفت که این ترقی مذموم ولکن تدنی و پریشانی و بی سر و سامانی اقوام افریک ممدوح لا والله این فکر شخص جاهل مذموم دولت و ملّت ژاپون فی الحقیقه در اندک زمانی در عالم جسمانی ترقیاتی نمودند که حیرت بخش عقول و شعور است و این ترقیات بسبب امتزاج دولت و ملّت است بقسمی ترکیب و امتزاج یافته اند که تفریق مستحیل شده از این اتّفاق و اتّحاد این ترقیات طلوع و اشراق نموده ولی اگر چنانچه ادنی تنافری میان دولت و ملّت بود اینگونه ترقیات ممتنع و محال شمرده میگشت ملاحظه کنید که ملّت ژاپون چگونه مطیع و منقاد پادشاه میکادو هستند گویا کلّ بنده زرخیزند و متحرک باراده آن هوشمند در این عصر جدید پس ای یاران الهی گوش بهذیان این و آن ندهید و مطیع و منقاد فتنه جوین مگردید نفوسی که مخالفت اعلیحضرت شهریاری مینمایند عاقبت نادم و پشیمان گردند و سبب نکبت ملّت ایران این نفوس بظاهر مسائلی عنوان نمایند و باطل را در صورت حقّ بنمایند ولکن در حقیقت غرض شخصی و خودپرستی دارند و مراد القاء فساد است زنهار زنهار تقرّب باین نفوس معویّب و در ره این اشخاص نپوئید بلکه اجتناب نمائید سبحان الله آیا ملّت ژاپون این ترقیات را بسبب تنافر از دولت حاصل نموده لا والله بسبب اطاعت و انقیاد و حسن نیت و حسن خدمت بدولت حاصل کرده انسان باید بیدار باشد و هشیار البتّه اتّحاد و اتّفاق

بین رئیس و مرئوس و ائتلاف بین سائس و مسوس سبب عزّت و ترقّی نفوس گردد اینست که کوکب هدی حضرت بهاءالله
احیاء الله را باطاعت پادشاه امر فرموده و این مسئله واضح و آشکار است ولی صدهزار اسف که علما در خواب غفلت
مستغرقند از خدا خواهیم که رؤسای دین بنور مبین بصر و بصیرت بگشایند تا آنکه آنچه سبب عزّت ابدیّه ملت است ادراک
نموده بجان و دل بکوشند در ممالک دولت علیّه عثمانیّه جمیع علما مطیع اعلیحضرت سلطانند هیچیک قدرت بر شقّ شفه
ندارد کلّ بنصّ قاطع اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم متمسکند علمای ایران نیز اگر حقّ جو و خیرگویند باید بر
این منهج سلوک و حرکت نمایند و الاّ عاقبت ندامتست و ذلّت و اسارت در دست اقوام متجاوزّه آن مملکت است و علیکم
التّحیّة و التّناء

الهی الهی ادعوک بلسانی و ارجوک بقلبی و ابتهل الیک بروحی و انضرع بین یدیک بفؤادی و جنانی ان تؤید عبادک
المخلصین علی التّوجه الی النور المبین و توقّ الأبرار علی التّمسک بمركز الأنوار انر یا الهی ابصار القلوب بضیاء الهدی و
ایدهم بشدید القوی و وفقهم علی طاعتک و خدمة عتبتک المقدّسه فی السرّ و الخفاء و اجعلهم آیات موهبتک فی عالم الانشاء
و رایات رحمتک تخفق فی کلّ الأرجاء ربّ ربّ نحن عباد ضعفاء لا نملك لأنفسنا حیاة و نشوراً الاّ بفیض مواهبک الّتی تتلألاً
علی الآفاق بأشدّ اشراق انک انت المعطى العزیز الغفور الکریم الوهاب و انک انت الرّؤف العزیز العلیم المنان لا اله الاّ انت
المقتدر الوهاب القدير المستعان